

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان

بی قیزه و بی افسار

باز آمد و باز آمد ، دشمن به کمین آمد
از خوابِ گران برخیز ، شیطانِ لعین آمد
میهن شده ویرانه ، مردم همه بی لانه
دلها شده غمخانه ، بی ننگِ زمین آمد
اعرابِ سیه پستان ، با فتنه انگلستان
از کینه پاکستان ، با چالِ نوین آمد
آمریکِ تجاوزگر ، با نوکر و با چاکر
چون کرزی بد اختر ، با مهرِ جبین آمد
در لندن استعمار ، چپاسه و موش و مار
بیرون شده از هر غار هر یک چو تئین آمد
ملا عمر کور ، یک چشمه منفور
بد جاهل بدخور ، بد بوی چمین آمد
از لیست سیه بیرون ، پنج شش نفر ملعون
گویا مرض طاعون ، با ایدز ، عجین آمد
این فلمِ نوِ جالب ، بسته به دم طالب
بازیگرِ بس غالب ، با نانِ جوین آمد

دوستم بچه چنگیز، بگریز و ، ازو بگریز
 رقاصه با استیز ، از نطفه چین آمد
 نه شرم و حیا دارد ، نه غیرت و نه همت
 بی تنگ و دغل باز دلال پسین آمد
 آن آش و همان کاسه آن غریت و آن تاسه
 آن کوسه نجاسه ، با مرگ قرین آمد
 بیهوده مکن تشویش، از پهلو و پشت و پیش
 گر شاخ و دم و گر ریش، زهرین و چخین آمد
گلبدین حکمتیار ، آن جانی راکتبار
بی قیزه و بی افسار ، با نفرت و کین آمد
 آن خائن جنگسالار ، بدکاره بیمقدار
 بدفعل و خطا کردار ، بد دشمن دین آمد
 کفتار چشم پاره ، مکاره زکاره
 چون غندل و ، جراره ، پندیده سُرین آمد
 با راکت و خمپاره ، آن قاتل و خونخواره
 خُشاره حقاره ، بد زاد غبین آمد
 یک چک چکی اش گفتا! این رهبر تنظیمی
 نه جنگی قوماندان کو ، با داد و هُرین آمد
 حیفت ، به این آقا ، بر فهم و شعور او
 چون خائن ملی را ، توصیف چنین آمد
 اینگونه چه خواهد شد آینده ما مردم
 گر رهبر بی عرضه بر خر زده زین آمد
 « نعمت » ز پس پرده بیش و کمی میگوید
 هر آنچه که بسروده ، بی شک، به یقین آمد

معانی بعضی از لغات :

تَنین - شاهمار، ازدها *** چمین - بول ، ادرار ، غائط ، پلیدی *** عجین - سرشته شده *** تاسه - اندوه
 و ملالت ، اضطراب و بیقراری ، تیره شدن روی از غم و الم (**توبامن نسازی که از صحبت من + ملالت فزاید**
شمارا و تاسه) (خواجه در کاسه خود صورتکی چند بدید + بیم آن بد که بگیرد بوجودش تاسه ++چون یقین گشت
 از آنها که غذائی نخورد +گفت هرگز به ازینها نبود همکاسه) *** نجاسه - نجاست *** چخین - چرک آلود
 *** زکاره - لوج ، ستیزه جو ، خیره سر *** جراره - نوعی از عقرب سمی و زرد ، گزدم کوچک زرد

رنگ *** خُشاره – مردم پست و فرومایه ، پست و ناپسند از هر چیز *** غیبین – مغبون ، کم فهم ، فریب
خورده در داد و ستد *** هُزین – بانگِ جانورِ درنده ***